



واکاوی اندیشه‌های تقریبی و همگرا در تحقق وحدت امت اسلامی با تاکید بر اندیشه‌های استاد شهید مطهری

سید هادی زرقانی . دانشیار جغرافیای سیاسی. دانشگاه فردوسی مشهد

h-zarghani@um.ac.ir

چکیده:

موضوع وحدت و انسجام امت اسلامی یک آرمان، ارزش و ایده حیاتی برای حفظ هویت و پیشرفت جوامع اسلامی محسوب می‌شود. وحدت و همبستگی اسلامی مورد تاکید متون و پیشوایان دینی بوده است و به صراحت از آن به عنوان مهمترین عامل مجد و عظمت اسلام و شکوفایی تمدن بزرگ اسلامی نام برده شده است. وحدت اسلامی همواره از دغدغه‌های اصلی عالمان و اندیشمندان اسلامی بوده است و بزرگانی چون سیدجمال الدین، محمد عبده، اقبال لاهوری، آیه الله بروجردی، امام خمینی(ره)، شهید مطهری و... با تکیه بر عوامل و زمینه‌های مشترکی چون جهان بینی، دین، کتاب و سنت، فرهنگ و اعمال عبادی مشترک، سابقه تمدنی، تهدیدات مشترک و... به تبیین ضرورت و اهمیت وحدت و همگرایی امت اسلامی پرداخته‌اند. در این میان استاد شهید مرتضی مطهری، به عنوان یک اندیشمند برجسته و اسلام شناس آگاه به زمان، از جمله صاحب نظرانی است که با درایت و روشن بینی علمی و منحصر بفردی به موضوع وحدت اسلامی پرداخته است و در قالب مباحث، کتب، مقالات و سخنرانی‌های متعدد ابعاد و زوایای گوناگون آن را مورد بررسی و کنکاش قرار داده است. در این مقاله تلاش شده است تا با روشی توصیفی-تحلیلی مسئله وحدت و همگرایی اسلامی از دیدگاه اندیشمندان اسلامی با تاکید بر آثار شهید مطهری مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد

واژه گان کلیدی: وحدت و همگرایی، واگرایی، جهان اسلام. امت اسلامی

(۱) مقدمه:

وحدت و همگرایی با پیدایش انسان و روحیه اجتماعی او عجین است. وحدت با تشخیص عقل ضرورت می یابد، از اینرو به حکم عقل، برای زندگی بهتر، وحدت و زندگی هماهنگ با دیگران، به طور دائم در اندیشه بشر وجود داشته است. یکی از جلوه های وحدت و همگرایی، وحدت اسلامی و اتحاد امت اسلامی می باشد. منظور از وحدت اسلامی، همکاری و تعاون پیروان مذاهب اسلامی بر اساس اصول مسلم و مشترک اسلامی و اتخاذ مواضع عملی واحد برای تحقق اهداف و مصالح عالیه امت اسلامی و موضع گیری واحد در برابر دشمنان اسلام و احترام به التزام قلبی و عملی هر یک از مسلمانان به مذهب خود می باشد (تسخیری، ۲۲: ۱۳۸۴). اصل وحدت مسلمانان و امت واحده بودن آنان ریشه در قرآن و سنت نبوی و سیره ائمه مسلمین دارد. سابقه وحدت اسلامی به آغاز دین اسلام بر می گردد (هادی، ۱۳۸۸: ۵۸).

سابقه طرح مسئله همگرایی و وحدت در ادبیات سیاسی جهان اسلام، به پیش از یک قرن قبل بازمی گردد. عوامل درونی و بیرونی متعددی، علاقمندان به وحدت جهان اسلام را متوجه ضرورت وحدت و همگرایی کرده است (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۰۰). عواملی نظیر جهان بینی مشترک، دین و فرهنگ مشترک، سابقه تمدنی مشترک، موقعیت استراتژیک و پتانسیل های اقتصادی جهان اسلام، تهدید مشترک و تجربه مشترک استعمار در کشورهای اسلامی، به ویژه پدیده صهیونیسم در قرن بیست در سرزمین های اشغالی فلسطین و... از جمله این موارد است. در جهان اسلام، اندیشمندان و مصلحان بزرگی در ادوار مختلف، تلاش های زیادی را در جهت ترویج همگرایی و تقویت وحدت در دنیای اسلام انجام دادند که از آن جمله می توان به سید جمال الدین، محمد عبده، اقبال لاهوری، آیه الله بروجردی، امام خمینی (ره)، شهید مطهری و... اشاره کرد. در این میان شهید مطهری، به عنوان یک متفکر برجسته و اسلام شناس آگاه به زمان، با تدوین کتب و مقالات متعدد و بحث و بررسی های ریشه ای نقش مهمی در تبیین اهمیت و ضرورت وحدت و همگرایی امت اسلامی داشته است.

شهید مطهری در مورد وحدت اسلامی و دیدگاههای مختلف در مورد آن اینگونه اظهار نظر می کند: مقصود از وحدت اسلامی چیست؟ آیا مقصود این است از میان مذاهب اسلامی یکی انتخاب شود و سایر مذاهب کنار گذاشته شود. یا مقصود این است که مشترکات همه مذاهب گرفته شود، و مفترقات همه آنها کنار گذاشته شود و مذهب جدیدی بدین نحو اختراع شود، که عین هیچ یک از مذاهب موجود نباشد؟ یا اینکه وحدت اسلامی، به هیچوجه ربطی به وحدت مذاهب ندارد و مقصود از اتحاد مسلمین، اتحاد پیروان مذاهب مختلف در عین اختلافات مذهبی در برابر بیگانگان است؟. ایشان این تفسیرها را شبهات بیگانگان دانسته و معتقد است مخالفین اتحاد مسلمین برای اینکه از وحدت اسلامی مفهومی غیر منطقی و غیر عملی بسازند آن را به نام وحدت مذهبی توجیه می کنند، تا در قدم اول با شکست مواجه گردد. بدیهی است که منظور علمای روشنفکر اسلامی از وحدت اسلامی حصر مذاهب به یک مذهب و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرف مفترقات آنها که نه معقول و منطقی است و نه مطلوب و عملی، نیست. منظور این دانشمندان، متشکل شدن مسلمین است در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان (مطهری، ۱۳۶۸: ۴). در ادامه مطلب تلاش می شود مهمترین زمینه های همگرایی و همچنین واگرایی امت اسلامی از دیدگاه شهید مطهری و همچنین برخی متفکرین برجسته اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.

(۲) روش تحقیق:

این پژوهش از نظر ماهیت و روش جزء تحقیقات توصیفی-تحلیلی محسوب می‌شود. سوال اصلی این پژوهش آن است که از نظر اندیشمندان اسلامی مهمترین علل و زمینه های همگرایی و واگرایی امت اسلامی و جهان اسلام کدامند. مفروض این پژوهش آن است که عوامل و زمینه های مشترکی چون جهانیابی، دین، کتاب آسمانی، سنت و تهدید مشترک در تقویت همگرایی و متغیرهایی چون ملی گرایی و تعصبات قومی-نژادی، فرقه گرایی و تعصبات کور مذهبی، سلطه اقتصادی و فرهنگی غرب و وابستگی کشورهای مسلمان در ایجاد و تشدید واگرایی بین امت اسلامی و کشورهای جهان اسلام نقش اساسی دارند. اطلاعات مورد نیاز پژوهش به روش اسنادی و با مراجعه به منابع معتبر گردآوری شده است

(۳) مفاهیم و مباحث نظری:

(۳-۱) وحدت:

وحدت در لغت عبارت است از: یگانه شدن، یگانه بودن و اشتراک گروهی در یک مرام و مقصد، اشتراک همه افراد ملت در آمال و مقاصد که مجموعه ای واحد به شمار می آیند (معین، ۱۳۷۱: ۴۹۸۹).

(۳-۲) امت:

امت به قوم، قبیله، عشیره، گروه های نژادی و نیز ملت یا جامعه ای مذهبی که زیر پرچم هدایت یک پیامبر باشند اطلاق می گردد (ترکی، ۱۳۶۸: ۳۰) و در اصطلاح به جماعتی از مردم گفته می شود که خداوند برای آنان پیامبری مبعوث کرده و آنان به او ایمان آورده و از اینرو با خداوند پیمان بسته و با او ارتباط یافته اند (هادی، ۱۳۸۸: ۷۲)

(۳-۳) وحدت اسلامی:

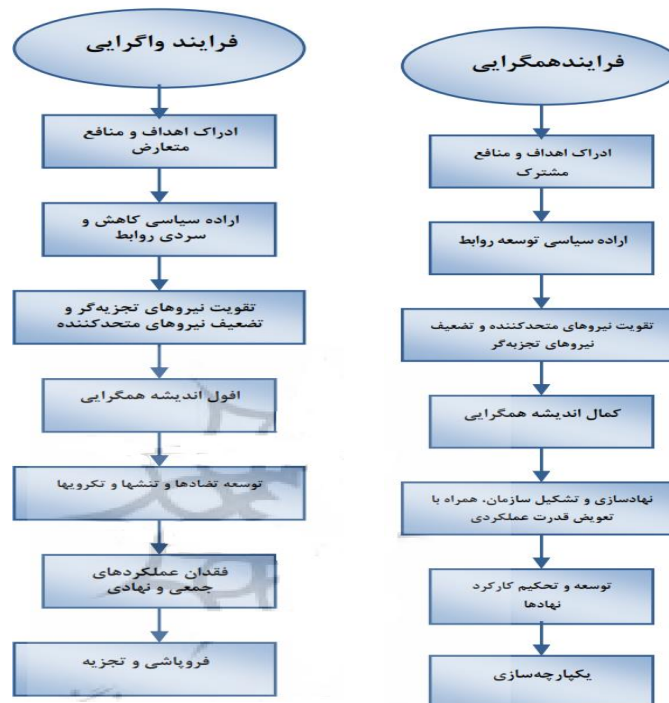
برای وحدت اسلامی، تعاریف و تعبیر مختلفی ارائه شده است، تعدادی از اندیشمندان اعتقاد دارند که منظور از وحدت اسلامی التزام قلبی و عملی به مشترکات اسلام است که به طور قطع ثابت شده و در زمان رسول اکرم (ص) مورد قبول همه بوده و معیار اخوت اسلامی است (هادی، ۱۳۸۸: ۷۲). برخی دیگر معتقدند منظور از وحدت اسلامی این است که فرقه های مسلمین همدیگر را به طور صحیح شناسایی نموده و از مواضع فکری و اعتقادی یکدیگر مطلع شوند و از نزاع دور باشند (صادقی، ۱۳۸۵: ۵۰۲). بعضی اندیشمندان نیز بر وحدت عملی تاکید کرده و معتقدند، وحدت اسلامی به این معنا است که پیروان هر یک از مذاهب گوناگون اسلامی در عین حال که عقاید و احکام خاص آن مذهب را برای خود حفظ می کنند و به آن پای بند هستند در مقام عمل موضع گیری واحدی در قضایا و مسایل مشترک اسلامی، مانند اجرای شریعت اسلام، یا تحقق ملاک های حقوقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی داشته باشند و به خصوص با موضع گیری واحد نسبت به تهاجم دشمن به امت اسلامی همانند ید واحد عمل نمایند (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۴۴)

(۳-۴) همگرایی و واگرایی:

بحث همگرایی و واگرایی ناظر بر رفتار جمع گرایی و دوری گزینی ملت ها، کشورها و دولتها نسبت به یکدیگر است. به فرایند هم پیوستگی و همبستگی ملت ها و دولت های ملی ((همگرایی)) و به فرایند جدایی و دورگزینی ملت ها و دولت های ملی نسبت به همدیگر ((واگرایی)) اطلاق می شود (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۵۴). همگرایی در چارچوب فرهنگ علوم سیاسی به فرآیندی اطلاق می شود که در آن، ملت ها و جوامع از خواست و قدرت هدایت مستقل سیاست های عمده و اساسی خود چشم می پوشند و سعی می کنند به تصمیم های مشترک و هماهنگ دست یابند و تصمیم گیری را به نهادهای مرکزی تازه ای واگذار کنند (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۵۰). در تعریفی دیگر از همگرایی

آمده است: «همگرایی، در هم آمیزی ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک کشورها و ملت‌ها در مناطق گوناگون گیتی است» (مجتهد زاده، ۱۳۷۹: ۶۹).

نمودار ۱: فرایند همگرایی و واگرایی



منبع: حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۳۷۴

در وحدت و همگرایی تلاش بر این است که از عوامل اختلاف‌زا و زمینه‌های ناسیونالیستی، پایبندی به منافع ملی، مرزهای جغرافیایی و حتی حاکمیت مطلق کشورهای یک منطقه، به نفع اهداف جمعی و مشترک، کاسته شود و از طریق گسترش همکاری‌های فنی و تکنیکی، اقتصادی و تجاری، عقیدتی و فرهنگی و حتی سیاسی به ایجاد صلح و آرامش در منطقه و نهایتاً در سطح جهان کمک گردد.

۴ یافته‌های پژوهش:

از دیدگاه شهید مطهری و سایر اندیشمندان اسلامی، مسلمین مایه وفاق‌های بسیاری دارند که می‌تواند مبنای یک اتحاد محکم گردد. همه خدای یگانه را می‌پرستند، به نبوت رسول اکرم ایمان و اذعان دارند، همه از یک نوع جهان بینی برخوردارند و یک فرهنگ مشترک دارند و در یک تمدن عظیم و با شکوه و سابقه دار شرکت دارند. وحدت در جهان بینی، در فرهنگ، در سابقه تمدن، در بینش و منش، در معتقدات مذهبی، در پرستش‌ها و نیایش‌ها، در آداب و سنن اجتماعی می‌تواند از آنها امت واحد بسازد و قدرتی عظیم به وجود آورد که قدرتهای عظیم جهان ناچار در برابر آنها خضوع نمایند (مطهری، ۱۳۶۸: ۵). در ادامه مطلب برخی از مهمترین زمینه‌ها و عوامل همگرایی و همچنین عوامل واگرایی جهان اسلام و امت اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۴-۱ زمینه‌های وحدت و همگرایی امت اسلامی:

الف) جهان‌بینی مشترک و ایمان و اعتقاد به خالق واحد:

قرآن کریم توحید نظری و «اعتقاد به خالق واحد» را باعث توحید عملی انسان ها می داند؛ «بگو ای اهل کتاب، بپایید به سوی سخنی که میان ما و شما مشترک است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم»^۱. این آیه برای وحدت و یکپارچگی به «توحید»، قدر مشترک مسلمانان و اهل کتاب اشاره کرده که یکی از عوامل مهم وحدت همه ادیان محسوب می شود. همچنین همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی به خدای واحد با همه خصوصیات و صفاتی که قرآن کریم بیان می کند، ایمان دارند و پرستش را مخصوص و شایسته او می دانند. به اعتقاد همه مسلمانان پرستش و عبادت غیر خدا، هر کس و هر چیز که باشد، شرک محسوب می شود (هادی، ۱۳۸۷: ۵۸).

شهید مطهری در مورد نقش مهم ایمان به خداوند در وحدت چنین می نویسد: شکی نیست آن چیزی که دلها را به هم پیوند می دهد، عقیده و ایمان است. رسول خدا بزرگترین عامل وحدت را که وحدت در عقیده بود ایجاد کرد و مردم را در زیر پرچم (لا إله الا الله) گرد آورد. البته ایشان اعتقاد دارد که اسلام فقط به موجب اینکه عقیده واحدی ایجاد کرد، مردم را متحد نکرده است، بلکه علاوه بر این، موانع و تبعیضات و شکافها و تفاوتها را هم از بین برده است (مطهری، ۱۳۶۸: ۵۰). استاد مطهری برای تبیین نقش ایمان به خدا در وحدت مسلمانان به آیه شریفه زیر استناد می کند: «و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا و اذكروا نعمة الله عليكم إذ كنتم أعداء فألف بين قلوبكم فأصبحتم بنعمته إخوانا». همه باهم به ريسمان الهی بچسبید و متفرق و متشتت نشوید. آن وقت را به یاد بیاورید که با هم دشمن بودید، نسبت به هم کینه و عداوت و حسادت داشتید، خداوند به وسیله اسلام دلهای شما را به هم مهربان کرد، صبح کردید در حالی که همه با یکدیگر برادر بودید. این آیه همان طوری که مضمونش معلوم است در موضوع اتحادی است که دین اسلام به مردم داد (مطهری، ۱۳۸۸: ۱۰۷).

سید جمال اسد آبادی از اندیشمندان و متفکران بزرگ اسلامی نیز، مهم ترین و محکم ترین عوامل وحدت بخش را در میان مسلمانان قرآن کریم و اصل توحید می داند و می گوید «من آرزو دارم که سلطان همه مسلمانان قرآن باشد و مرکز وحدت آنان ایمان» (مرادی، ۱۳۸۱: ۵۴). همچنین علامه امینی صاحب الغدير، در مورد نقش ایمان به خداوند در ایجاد وحدت علی رغم کثرت دیدگاهها چنین می گوید: «ما مؤلفان و نویسندگان در اقطار و اکناف جهان اسلام، با همه اختلافی که در اصول و فروع با یکدیگر داریم، یک جامع مشترک داریم و آن ایمان به خدا و پیامبر خداست. در کالبد همه ما یک روح و یک عاطفه حکمفرماست و آن روح اسلام و کلمه اخلاص است. ما همه در زیر پرچم حق زندگی می کنیم و در تحت قیادت قرآن و رسالت نبی اکرم انجام وظیفه می نماییم. پیام همه ما این است که: ان الذین عند الله الاسلام و شعار همه ما ((لا اله الا الله و محمد رسول الله)) است. آری ما حزب خدا و حامیان دین او هستیم. (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۱)

ب) دین اسلام، قرآن و سنت مشترک:

منشا حقیقی وحدت اسلامی، همانا دین اسلام است که ریشه خود را از فطرت سالم انسان ها گرفته و خداوند آن را در نهاد مردم به ودیعت گذاشته است "فأقم وجهک للدين حنیفا فطره الله التی فطر الناس علیها"^۲. استاد مطهری در مورد نقش اسلام در تحکیم پیوند مسلمانان چنین می گوید: «از جمله خصوصیات اسلام این است که هیچ عنوانی از قبیل عناوین نژادی، طبقاتی، شغلی، محلی، منطقه ای و فردی برای معرفی مکتب خود و پیروان این مکتب نپذیرفته است. پیروان این مکتب با عناوین اعراب، سامیهها، فقراء، اغنیاء، مستضعفان، سفید پوستان، سیاه پوستان، آسیاییها، شرقیها، غربیها، محمدیها، قرآنیها، اهل قبله و غیره مشخص نمی شوند. هیچ کدام از عناوین مزبور ملاک (ما) وملاک وحدت و هویت واقعی پیروان این مکتب به شمار نمی رود. آنجا که پای هویت مکتب و هویت پیروان او به میان می آید همه آن

^۱ - آل عمران، ۶۳/

^۲ - روم ۳۰

عناوین محو و نابود می شود فقط یک چیز باقی می ماند . چه چیزی ؟ یک (رابطه)، رابطه میان انسان و خدا، یعنی اسلام، تسلیم خدا بودن . امت مسلمان چه امتی است ؟ امتی است که تسلیم خداست، تسلیم حقیقت است، تسلیم وحی و الهامی است که از افق حقیقت برای راهنمایی بشر در قلب شایسته ترین افراد طلوع کرده است . پس «ما» ی مسلمانان و هویت واقعی آنها چیست ؟ این دین می خواهد چه وحدتی به آنها ببخشد و چه مارکی روی آنها بزند و زیر چه پرچمی آنها را گرد آورد ؟ پاسخ این است : اسلام (مطهری، ۱۳۸۷: ۲۳۱)

علاوه بر دین، کتاب خدا و سنت نیز دو عامل اساسی در ایجاد وحدت بین مسلمین محسوب می شوند. خداوند در آیه شریفه «واعتصموا بحبل الله جميعا...» حبل الهی را از عوامل اصلی ایجاد وحدت بین مسلمین بیان می نماید. به اعتقاد صاحب نظران یکی از مهم ترین مصادیق حبل الله در این آیه شریفه قرآن کریم است. روایتی از پیامبر (ص) حبل الله را به قرآن تفسیر می کند. دومین مصداق وجود شریف پیامبر (ص) و اهل بیت عصمت و طهارت می باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴) با توجه به اینکه قرآن مجید و سنت شریف نبوی دو منبع اساسی قانون گذاری در اسلام بوده و همه مذاهب اسلامی بر حجیت و حقانیت این دو منبع اتفاق نظر دارند و اعتبار سایر منابع را برگرفته و مستند به این دو می دانند، بر این اساس، کتاب خدا و سنت رسول الله (ص) دو عامل اساسی وحدت امت اسلامی محسوب می شود (هادی، ۱۳۸۷: ۵۵). به عبارت دقیق تر، کتاب و سنت از دو جنبه در وحدت امت اسلامی نقش دارند، اول اینکه کتاب و سنت هر دو با هم، نزد همه مذاهب اسلامی، دو منبع اصیل اسلام و احکام اسلامی محسوب می شوند و دوم اینکه هر دو به صراحت مسلمین را به اتحاد و همدلی و پرهیز از اختلاف دعوت کرده اند، بر این اساس این دو کارکردی مضاعف در ایجاد وحدت اسلامی دارند.

به اعتقاد شهید مطهری هر دو این منابع (قرآن و سنت)، تاکید بسیاری بر وحدت مسلمین داشته و آنها را به شدت از اختلاف و دو سته گی نهی می کنند. مطهری در باب دستور صریح قرآن مبنی بر پرهیز از اختلاف و نزاع بین مسلمانان به آیه شریفه زیر استناد می کند: «و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم». با یکدیگر نزاع نکنید و اختلاف نداشته باشید که سست و ضعیف خواهید شد. جدال و اختلاف، کیان و شخصیت جامعه اسلامی را منهدم می کند (مطهری، ۱۳۶۲: ۲۵). همچنین ایشان با اشاره به آیه شریفه «واعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا» می گوید خداوند در این آیه مردم را دعوت به اتحاد و از تفرقه نهی می کند و پرهیز می دهد: بپرهیزید ای مسلمانان از اینکه در میان شما تفرقه و اختلاف وجود داشته باشد. کوشش کنید اختلافاتی که به وجود آمده است حل کنید، اختلافات را کمتر کنید، هی شکافها را زیاد نکنید . از این شکافها که روز بروز بیشتر می شود چه کسی استفاده می برد ؟ آیا غیر از دشمن اسلام کس دیگری استفاده می برد ؟ آیا دشمن از ما چه می خواهد ؟ غیر از این می خواهد که ما به نامهای مختلف مذهبی و فرقه ای دائما به جان یکدیگر بیفتیم، یکدیگر را فحش بدهیم ؟ ! قرآن می گوید از تفرقه بپرهیزید، بعد می فرماید : و لتکن منکم امه یدعون الی الخیر. مثل اینکه در اینجا منظور قرآن از «خیر» بیشتر همان اتحاد است . یعنی در میان شما باید جمعیتی باشد که همیشه مسلمین را دعوت به وحدت و اتحاد کنند، با تفرقه ها و افتراقهایی که میان مسلمین هست مبارزه کنند و بجنگند. بعد می فرماید: و لا تکنوا کالذین تفرقوا و اختلفوا، ۳ مانند جمعیهایی که متفرق و مختلف شدند، دسته دسته و فرقه فرقه شدند نباشید . آیا این عجیب نیست که در میان دو آیه که هر دو دعوت به اتحاد و پرهیز از تفرق است این آیه می آید: و لتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون. این کانه درست می رساند که قرآن در میان خیرها ، حسن تفاهم و وحدت و اتفاق میان مسلمین را خیری که مادر و مبدا همه خیرهاست، می داند و در میان منکرات و زشتیها و پلیدیها، آنکه را از همه پلیدتر و زشتتر و بدتر می داند اختلاف و تفرق است به هر نام و عنوانی (مطهری، ۱۳۸۵: ۴۹)



علاوه بر تاکیدات قرآن در باب وحدت اسلامی، پیامبر گرامی اسلام(ص) نیز از بعثت تا وفات، همواره در آموزش ها و تعالیم خود و در عمل، در جهت نفی تفرقه و اختلاف و تحکیم پایه های وحدت و انسجام اسلامی و اخوت، همدلی و همبستگی میان مسلمین قدم برداشته است. تعداد قابل توجهی از سخنان پیامبر اکرم در جهت نفی تفرقه و نکوهش از آن ونهی مسلمین از امور تفرقه افکن و اختلاف برانگیز است. از جمله پیامبر فاصله گرفتن از جامعه مسلمین را باعث بیرون آمدن از حوزه اسلام و دیانت خوانده است(من فارق جماعه المسلمین فقد خلع و ربقه الاسلام من عنقه) و در تعبیر مشابه دیگری، کسی را که به اندازه یک وجب از جماعت مسلمین کناره بگیرد و در آن حال بمیرد، مرگش را در حال جاهلیت خوانده است(من فارق الجماعه شبرا فمیتته جاهلیه). (مرادی، ۱۳۸۱: ۴۵). همچنین سیره ائمه نیز مطابق با قرآن و سنت و در راستای تقویت وحدت اسلامی بوده است. شهید مطهری در کتاب الغدير و وحدت اسلامی در مورد سیره امیرالمؤمنین علی (ع) در مورد پرهیز از اختلاف چنین می نویسد: «سیره و روش شخص امیرالمؤمنین علی، علیه السلام، برای ما بهترین و آموزنده ترین درسهاست. او برای احقاق حق خود، از هیچ کوششی خودداری نکرد، همه امکانات خود را به کار برد که اصل امامت را احیا کند، اما هرگز از شعار «یا همه یا هیچ» پیروی نکرد. بر عکس، اصل مالایدرک کله لایترک کله را مبنای کار خویش قرار داد. علی در برابر رباوندگان حقش قیام نکرد و قیام نکردنش اضطراری نبود، بلکه کاری حساب شده و انتخاب شده بود.... علی در حساب صحیحش بدین نکته رسیده بود که مصلحت اسلام در آن شرائط ترک قیام و بلکه همگامی و همکاری است (مطهری، ۱۳۶۸: ۸). ایشان در خطبه ۲۰۶ اصحاب خود را از کارهای تفرقه انگیز مانند سب و لعن که نشانگر تعصبات جاهلانه و خودبرتربینی گروهی است به شدت نهی فرموده است. این فضیلت بزرگ برای حیدر کرار است که اولین بنیانگذار تقریب بین مذاهب و منادی وحدت و انسجام اسلامی است(واعظ زاده، ۱۳۸۲: ۲۱). حتی آن حضرت در بستر مرگ هم همان افکار عالی و نورانی خود را دنبال می کند، در فاصله ضربت خوردن و شهادت سخنان و وصایایی دارد، آخرین سخنانش این بود: «... فرزندم حسن! تو را و جمیع خاندان و فرزندانم و هر کس از امروز تا پایان جهان که این نوشته به او می رسد سفارش می کنم به تقوا و اینکه کوشش کنید اسلام را تا دم آخر برای خود حفظ کنید، همگی به ریسمان الهی چنگ بزنید و متفرق نشوید. از پیغمبر شنیدم که «اصلاح میان مردم از اینکه همیشه نماز بخوانید و روزه بگیرید با فضیلت تر است و چیزی که این امت را هلاک می کند فساد کردن و دو بهم زدن است» (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۸۷). سیره علی علیه السلام در این زمینه خیلی دقیق است و نشانه متفانی بودن آن حضرت در راه هدفهای اسلامی است. در حالی که دیگران می بردند او وصل می کرد، آنها پاره می کردند و او می دوخت.

ج) فرهنگ و اعمال عبادی مشترک:

از دیدگاه شهید مطهری فرهنگ و اعمال عبادی مشترک یکی دیگر از عوامل وحدت ساز امت اسلامی محسوب می شود. به اعتقاد ایشان مسلمین مایه وفاقهای بسیاری دارند که می تواند مبنای یک اتحاد محکم گردد. مسلمین همه خدای یگانه را می پرستند و همه به نبوت رسول اکرم ایمان و اذعان دارند، کتاب همه قرآن و قبله همه کعبه است، با هم و مانند هم حج می کنند و مانند هم نماز می خوانند و مانند هم روزه می گیرند و مانند هم تشکیل خانواده می دهند و داد و ستد می نمایند و کودکان خود را تربیت می کنند و اموات خود را دفن می نمایند. و جز در اموری جزئی، در این کارها با هم تفاوتی ندارند. وحدت در جهان بینی، در فرهنگ، در سابقه تمدن، در بینش و منش، در معتقدات مذهبی و... می تواند از آنها امت واحد بسازد ((مطهری، ۱۳۶۸: ۵).

ایشان در مورد نقش اعمال عبادی همچون حج در وحدت مسلمانان چنین می نویسند: «اسلام که کعبه را قبله نماز قرار داده باین معنی نیست که مردم در حین نماز کعبه را تقدیس کنند... پس رو به کعبه ایستادن تنها مبتنی بر یک حکمت و فلسفه اجتماعی است. آن حکمت این است که اولاً مسلمانان از لحاظ جهتی که در حین انجام عمل عبادت انتخاب می کنند یکی باشند تفرق و تشتت نداشته باشند. ثانیاً نقطه



ای که برای وحدت انتخاب می کنند همانجا باشد که اولین بار در جهان برای پرستش خدای یگانه ساخته شد که این خود نوعی احترام به عبادت خداوند یکتاست (مطهری، ۱۳۷۳: ۲۵۱)

د) تهدید مشترک و توطئه دشمنان اسلام:

عامل دیگر همگرایی امت اسلامی، وجود تهدیدات مشترک و توطئه های مداوم از سوی دشمنان مسلمین است که از بدو تولد اسلام تا کنون جهان اسلام و امت اسلامی با آن مواجه بوده است. استاد مطهری در مورد توطئه های دشمنان مسلمین به خصوص در دوران معاصر چنین می گوید: «در قرن اول هجری، اصول و داعیه های توحید و اسلامی آنچنان آشکار و روشن به مردم ابلاغ گردید که تمام مردم متمدن آن روزگار با جان و وجدان خویش پذیرای آنها شدند و به زودی یک ملت مشترک یا «بین الملل اسلامی» به وجود آمد. ولی این وحدت به زودی به تفرقه بدل شد... و به دنبال آن تحولات و ضعفها و انحرافات دیگر پدید آمد، تا آنکه مسلمین به تدریج به خواب رفتند. همزمان با این خواب، غرب مسیحی بیدار می شد. با استفاده های سرشار از سنتهای اجتماعی و فرهنگی و علمی اسلامی، غرب تمدن خود را بنا نهاد، تمدنی که صرف نظر از استفاده های علمی از سنتهای اسلامی، از مایه های دنیا پرستانه و ثروت و تجاوز و حکومت دنیا، نشأت می گرفت. از چندین قرن پیش دنیای اسلام مورد هجوم و بهره کشی دشمنان غربی قرار گرفت. نخست به هستی فرهنگی و اخلاقی و مذهبی آنها دستبرد زد و سپس منابع مادی و اقتصادی شان را به یغما برد. آن خواب دیرینه و این هجوم استعمار، ملت های اسلامی را روز به روز اسیرتر و خود باخته تر ساخت (مطهری، ۱۳۷۳: ۴۲)

ایشان اعتقاد داشتند با بیداری اسلامی در دهه های اخیر، تهدیدات و دشمنی های علیه مسلمین شکل و ابعاد جدیدی به خود گرفته است: «تمدن غرب که از قرنهای پیش در خفا و علن با اسلام می جنگد، با مشاهده این پدیده به جنب و جوش افتاده است، یعنی غرب بورژوا و استعمارگر با بلوک شرق مارکسیست از در همزیستی مسالمت آمیز در می آید و از جانب دیگر با اتحاد ذاتی با صهیونیسم، دولتی در قلب ملل اسلامی ایجاد می کند. اکنون چنین به نظر می رسد که غرب مشغول تجهیز و اتحاد تمام قوای ضد اسلام و ضد عدالت علیه اسلام و مسلمین است. به همین جهت دمبدم و از اطراف و اکناف توطئه ها و اقداماتی است که برای تضعیف اثر شعائر و تعالیم اسلامی کشف می کنیم. به اعتقاد ایشان، اختلافات فرقه ای یکی از مهمترین تهدیدات علیه امت اسلامی است. ایشان می نویسند: «آنچه بر سر مسلمین آمد که شوکت آنها را گرفت و آنها را زیر دست و توسری خور ملل غیر مسلمان قرار داد همین اختلافات فرقه ای است. استعمار چه کهنه اش و چه نو، بهترین ابزارش شعله ور ساختن این کینه های کهنه است. در تمام کشورهای اسلامی، بلا استثناء، دست افزارهای استعمار به نام دین و به نام دلسوزی برای اسلام دست اندر کار تفرقه میان مسلمین اند» (مطهری، ۱۳۸۱: ۱۷).

در سالهای اخیر با ایجاد بیداری اسلامی در منطقه با محوریت جمهوری اسلامی ایران تهدیدات دشمنان علیه امت اسلامی شدت بیشتری به خود گرفته است. موضوعی که بارها رهبر انقلاب در سخنان و پیام ها نسبت به آن هشدار داده اند. دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در بیستمین کنفرانس وحدت اسلامی، با اشاره به توطئه های گوناگون استکبار جهانی و شکست های پیاپی آنان در افغانستان، عراق، و لبنان از توطئه های مخوف صهیونیسم جهانی برای احیای درگیری های فرقه ای بین شیعه و سنی در کشورهای اسلامی خبر داده و تاکید کردند دشمنان اسلام در صدد هستند برای اهل سنت دشمن و همی از شیعیان و برای اهل تشیع دشمن و همی از اهل سنت ایجاد کنند. (تسخیری، ۱۳۸۶)

۴-۲) عوامل و زمینه های واگرایی امت اسلامی:

در کنار زمینه های مشترک و عوامل همگرایی در بین مسلمانان و امت اسلامی، برخی عوامل و زمینه های واگرایی و اختلاف نیز وجود دارد. این عوامل عمدتاً به دلیل دوری از دستورات واقعی اسلام و سنت پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) ایجاد و تقویت شده و منشاء اختلاف ها و



تنش های جدی بین امت اسلامی و کشورهای اسلامی می شوند. به طور قطع دشمنان اسلام و به خصوص صهیونیسم جهانی در این تفرقه افکنی ها و ایجاد و تشدید اختلافات نقش بسیار مهمی دارد. در ادامه مطلب برخی از مهمترین عوامل واگرایی امت اسلامی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می گیرد:

الف) ملی گرایی و تعصبات قومی - نژادی:

یکی از عوامل بسیار مهم واگرایی و شاید اساسی ترین عامل واگرایی امت اسلامی، ناسیونالیسم افراطی، ملیت گرایی و تعصبات قومی و نژادی است. شهید مطهری در این مورد چنین می گوید: «حقیقت این است که مسئله ملیت پرستی در عصر حاضر برای جهان اسلام مشکل بزرگی بوجود آورده است. گذشته از اینکه فکر ملیت پرستی بر خلاف اصول تعلیماتی اسلامی است، زیرا از نظر اسلام همه عناصرها علی السوا هستند، این فکر مانع بزرگی برای وحدت مسلمانان محسوب می شود». (مطهری، ۱۳۷۳: ۵۲)

ناسیونالیسم مشتق از کلمه «Nation» به معنای ملت است و ناسیون از Nascence به معنای «زاده شده» گرفته شده که از قرن ۱۳ معمول بوده و به گروهی از مردم که زادگاه یکسانی داشتند اطلاق می شد. (Heywood, 1991: 152) ناسیونالیسم به عنوان یک دکترین سیاسی در آغاز قرن نوزده در اروپا متولد شد و به تدریج وارد ادبیات سیاسی و جامعه شناختی گردید و امروزه عمدتاً به معنی ملی گرایی و نژاد گرایی است. ناسیونالیسم دارای گونه های متعددی است و اندیشمندان بر اساس کارکرد و نقش ناسیونالیسم، به دو نوع ناسیونالیسم منفی و مثبت قائل هستند. ناسیونالیسم منفی شامل ناسیونالیسم توسعه طلب، انحصارگرا، جدایی طلب، لیبرال و... می باشد و ناسیونالیسم مثبت شامل ناسیونالیسم ضد استعمار، اصلاح طلب، ملی، محافظه کار و... می باشد.

بر اساس دیدگاه اکثر اندیشمندان اسلامی، اساس تفکر جریان ناسیونالیسم را یک باور افراطی با تکیه بر عصبیت، احساسات عاطفی و غیر منطقی سامان می دهد و در مبانی و جانمایه های ناسیونالیسم، پایه های نظری و مبانی اومانستی و انسان شناختی غرب، کاملاً مشهود است؛ که در آن رویکرد، خدا در همه حال غایب است و اعتقاد به عظمت و بزرگی یک نژاد، قوم، منطقه، حزب و یا کشور خاص اصل اساسی محسوب می شود. (معظم پور، ۱۳۸۳: ۶۴) شهید مطهری ناسیونالیسم افراطی را عامل ایجاد جنگ و اختلاف در جهان می داند، ایشان می گوید: «ناسیونالیسم یا ملت گرایی، در اندیشه واضعان غربی، یعنی مردمی را که در قالب مرزهای جغرافیایی معین، نژاد و سابقه تاریخی و زبان و فرهنگ و سنن واحد گرد آمده اند، به عنوان یک واحد تفکیک ناپذیر مبنا و اصل قرار دادن و آنچه را در حیطه منافع و مصالح و حیثیت و اعتبار این واحد قرار گیرد خودی و دوست دانستن و بقیه را بیگانه و دشمن خواندن. به اعتقاد ایشان ناسیونالیسم ملت‌های اروپایی بود که در شکل افراطی خود به صورت نژاد پرستی و راسیسم جلوه کرد و دو جنگ جهانی ویرانگر را به وجود آورد. (مطهری، ۱۳۷۳: ۲۰). از دیدگاه ایشان مشترکات ناشی از خصوصیات نژادی، اغلب بیش از آنکه عامل ربط دهنده و پیوند شود و مایه استحکام وجدان جمعی و همبستگی ملی گردد، یا جدایی و تنافر می آفریند یا ملیتی ضعیف و ناپایدار می سازد (همان: ۲۶)

ناسیونالیسم رسیدن به «وحدت اسلامی و تقریب» را دچار مشکل می کند، چون با تلقی ناسیونالیستی، مردم هر کشوری خود را برتر از همه می دانند و همه امکانات و منافع را برای خود می خواهند. این نوع «ملی گرایی»، ماهیت «اخوت اسلامی» را تضعیف می کند و به «امت اسلامی» آسیب اساسی می رساند. (هادی، ۱۳۸۷: ۶۹). شهید مطهری در مورد نقش استعمار در رواج ناسیونالیسم و نتایج مصیبت بار آن برای امت اسلامی چنین می نویسد: «استعمار برای اینکه اصل «تفرقه بینداز و حکومت کن» را اجرا کند، راهی از این بهتر ندید که اقوام و ملل اسلامی را متوجه قومیت و ملیت و نژادشان بکند و آنها را سرگرم افتخارات موهوم نماید؛ به هندی بگوید تو سابقه ات چنین است و چنان، به ترک بگوید نهضت جوانان ترک ایجاد کن و پان ترکیسم به وجود آور، به عرب که از هر قوم دیگر برای پذیرش این تعصبات آماده تر است بگوید روی «عروبت» و پان عربیسم تکیه کن، و به ایرانی بگوید نژاد تو آریاست و تو باید حساب خود را از عرب که از نژاد سامی است جدا

کنی (مطهری، ۱۳۷۳: ۵۳). به هر حال موج عنصر پرستی و نژاد پرستی که سلسله جنبان آن اروپائیانند مشکل بزرگی برای جهان اسلام به وجود آورده است. اکنون، در منطقه ای کم و بیش وسیع از این جهان ملتهایی را می بینیم که زبانها و سنن و اسلاف و نژاد مختلف دارند و در شرایط اقلیمی و جغرافیایی گوناگونی به سر می برند و واحدهای سیاسی یا دولتهای متعددی تشکیل داده اند که همه از هم جدا و مستقل اند، اینها کشورهای اسلامی این دنیا هستند. معیارهای کلاسیک و غربی ملیت اینها را از هم جدا می کند و آنها را همانقدر نسبت به همه بیگانه و خارجی می خواند که کشورها و امتهای دیگر را نسبت به آنان. هر یک از اینها باید از هم جدا و بیگانه باشند و این جدایی و بیگانگی هم خود تبعاتی دارد که شاهد آن هستی «همان: ۵۴»

ب) فرقه گرایی، تعصبات کور مذهبی و تاکید بر نقاط افتراق و اختلاف:

دنایای اسلام، از حیث فکری، فرهنگی و ایدئولوژیکی و برداشت ها و طرز تلقی ها از اسلام سیاسی و غیر سیاسی دارای هویتی کثرت گرا می باشد و در حال حاضر ما شاهد وجود مکاتب اندیشه ای و قطب های فکری، عقیدتی و علمی متعددی در دنیای اسلام هستیم که عموماً تاکید بر حقانیت خود و تلقی صحیح از اسلام داشته و دیگران را کمتر می پذیرند و برخی از آنها حتی دیگران را تا سر حد کفر متهم می نمایند. نبی مکرم اسلام در این رابطه چنین فرمودند: «تفرقت الیهود علی احدى وسبعین فرقه و نصاری مثل ذلک و تفرقت امتی علی ثلاث و سبعین فرقه؛ یهود و نصاری بر هفتاد و یک فرقه و یا هفتاد و فرقه منشعب شدند و امت من بعد از من به ۷۳ فرقه منشعب خواهند شد و هر فرقه خود را حق و دیگران را باطل می داند». البته چنان که محمد ارکون، استاد برجسته تاریخ تفکر اسلامی، یادآور می شود نباید آیین اسلام را با آن چیزی که می تواند اسلام ها خوانده شود، یعنی ایدئولوژیهایی که خود را وابسته به آن می دانند اشتباه گرفت، زیرا اولی واقعیتی فوق تاریخی، فوق اجتماعی و فوق فرهنگی است و دومی، یعنی اسلام ها یا ایدئولوژی ها، هر کدام بیشتر زائیده شرایط سیاسی، فرهنگی و انسانی شناسی واقعیت های مختلف اجتماعی و دلمشغولی های رهبران آنهاست. (ایولاکست، ۱۳۶۸: ۳۵)

علمای علم مبحث ادیان، مذاهب اسلامی را اصلاً به هشت و فرعاً به هفتاد و هشت قسمت تقسیم کرده اند از جمله شیعه ۲۰ طایفه، اهل سنت ۴ طایفه، معتزله ۲۰ طایفه، خوارج ۲۳ طایفه و ... (عارف، ۱۳۶۹: ۶۵) علاوه بر این غیر از مذاهب دینی، مسالک حکما و فلاسفه قدیم یونان و هند نیز به عنوان طریقت یا عرفان داخل عالم اسلام شده جمع کثیری از مسلمانان به طریق مذکور عمل می نمایند از جمله قادریه، دفاعیه، کبرویه، سهروردیه و ... که هر کدام نیز به چندین شعبه مجزا تقسیم می شود، به طوریکه در مجموع در عالم اسلام اصلاً ۲۵ و فرعاً ۱۷۸ طریقت ایجاد گردیده است؛ گر چه امروزه بسیاری از آنها منسوخ شده است. (همان: ۷۵) حال هنگامی که این ۱۷۸ طریقت را در کنار هفتاد و سه (یا هفتاد و هشت) فرقه مذهبی قرار دهیم اوج اختلاف و فرقه گرایی را در جهان اسلام مشاهده می کنیم

واقعیت این است که هر گونه تلاشی در جهت وحدت، مستلزم مشروعیت و پذیرش «حضور دیگری» و به خصوص رقبا است. حضوری که به معنای قبول تفاوت و حق حضور متفاوت دیگران و امکان گفت و گوی برابر با یکدیگر است. به تعبیر دیگر، وحدت به معنای با هم بودن، مستلزم تن دادن و قناعت کردن به اجماع حداقلی و به تعبیر اهل سیاست «اجماع سلبی» است؛ یعنی اجماع بر مشترکاتی که خطوط قرمزند و نباید شکسته شوند. اما سوگمندانه در طول تاریخ، چه در میان اهل سنت و چه در میان شیعیان، کسانی بوده اند که اساساً طرف مقابل را به عنوان مسلمان و هم کیش به رسمیت نمی شناسند و آنان را خارج از اسلام می دانند. بدیهی است که با این گونه رویکرد های افراطی، زمینه ای برای گفت و گو و در نهایت وحدت باقی نمی ماند، زیرا رابطه دو سویه جهت تعامل و تفاهم صورت نمی بندد. این خود نگرانی و طرد دیگران گاه چنان اوج می گیرد که حتی دشمنان مشترک نیز نمی توانند پنهان ای برای کنار هم نشستن و با هم بودن به دست دهد. (حیدری، ۱۳۸۸: ۸۷). بنابراین تحزب و فرقه گرایی مانع مهمی در اتحاد جهان اسلام و مسلمین محسوب می شود و صرف نظر از اینکه

سیمای واقعی اسلام را زیر هاله ای از پندارهای نادرست پنهان نگاهداشته تا جاییکه درک حقیقت اسلام برای هر انسان پژوهشگری بسیار مشکل می نماید، نیروهای رهایی بخش مسلمین را که می بایست در راه نجات مسلمانان از دست صاحبان زر و زور و تزویر، صرف گردد، در راه اختلافات وصف بندی و تعصب و برادر کشی به هدر داد و نگذاشت که رسالت خود که همانا وحدت جهان اسلام است را انجام دهند.

به عنوان نمونه علامه بزرگوار آیت الله امینی، مؤلف جلیل القدر «الغدیر» در جلد سوم، صفحه ۷۷، پس از نقل اکاذیب ابن تیمیه و آلوسی و قصیمی، مبنی بر اینکه شیعه برخی از اهل بیت را، از قبیل زید بن علی بن الحسین دشمن می دارد، تحت عنوان «نقد و اصلاح» می گویند: «... این دروغها و تهمتها تخم فساد را می کارد و دشمنیها را میان امت اسلام بر می انگیزد و جماعت اسلام را تبدیل به تفرقه می نماید و جمع امت را متشتت می سازد و با مصالح عامه مسلمین تضاد دارد» (مطهری، ۱۳۸۶: ۹).

شهادت مطهری نیز در مورد پرهیز از تعصبات کور مذهبی چنین می نویسد: «هیچ ضرورتی ایجاب نمی کند که مسلمین به خاطر اتحاد اسلامی، صلح و مصالحه و گذشتی در مورد اصول یا فروع مذهبی خود بنمایند. همچنانکه ایجاب نمی کند که مسلمین درباره اصول و فروع اختلافی فیما بین، بحث و استدلال نکنند و کتاب نویسند. تنها چیزی که وحدت اسلامی از این نظر ایجاب می کند، این است که مسلمین برای اینکه احساسات کینه توزی در میانشان پیدا نشود یا شعله ور نگردد، متانت را حفظ کنند، یکدیگر را سب و شتم ننمایند، به یکدیگر تهمت نزنند و دروغ نبنند، منطق یکدیگر را مسخره نکنند و بالاخره عواطف یکدیگر را مجروح نسازند و از حدود منطق و استدلال خارج نشوند. و در حقیقت لااقل حدودی را که اسلام در دعوت غیر مسلمان به اسلام لازم دانسته است درباره خودشان رعایت کنند. ادعای سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن» (مطهری، ۱۳۸۶: ۹).

ج) سلطه اقتصادی غرب و وابستگی کشورهای مسلمان:

سلطه اقتصادی غرب، عامل دیگری برای تفرقه و جدایی کشورهای اسلامی است. در گذشته مسلمانان بر مهم ترین راه های دریایی و جاده ابریشم مسلط بودند، اما اینک شاهراه های تجاری در دست قدرت های غربی است و اقتصاد دنیای اسلام عمدتاً به غرب وابسته است و این امر نه تنها مانع رشد اقتصادی بلکه مانع همکاری و همدلی مسلمانان می شود. واقعیت این است که در بعد اقتصادی وابستگی به کشورهای قدرتمند اقتصادی جهان مانعی بر سر راه همکاری گسترده تر کشورهای اسلامی محسوب می شود. اکثر کشورهای مسلمان جزء کشورهای در حال توسعه محسوب می شوند و نیازمند امکانات، تولیدات و تکنولوژی برتر کشورهای غربی و قدرت های برتر جهانی هستند. این وابستگی اقتصادی که گاه ناشی از سابقه مستعمراتی این کشورها و وجود پیوند های سنتی تجاری با کشورهای صنعتی می باشد، تعهدات و محدودیت هایی را بر این کشورها تحمیل می کند که مانع از این می شود که همکاری گسترده و مداوم اقتصادی، سیاسی و ... بین کشورهای جهان اسلام صورت گیرد (شاه آبادی، ۱۳۷۹: ۲۳۷).

از سوی دیگر یکی از موانع مهم و اساسی در گسترش همگرایی اقتصادی و تجاری کشورهای اسلامی این است که تجارت کشورهای اسلامی نمی تواند مکمل تجارت بقیه آنها باشد؛ به عبارت دیگر ساختار شناسی تولید کشورهای اسلامی نشان می دهد که اکثریت آنها تولید کننده کالاهای اولیه، مواد معدنی و خام و محصولات کشاورزی می باشند و مشخصه تجارت کشورهای اسلامی با استثنای اندک - صدور مواد خام و معدنی و ورود کالاهای ساخته شده صنعتی و مواد غذایی است (خورشیدی، ۱۳۷۹: ۷۴)؛ بدین ترتیب، به جای اینکه تجارت آنها مکمل یکدیگر باشد رقیب یکدیگر است و طبیعی است که با این وضعیت طرف های تجاری کشورهای مسلمان بیشتر کشورهای پیشرفته صنعتی باشند (مزروقی، ۱۳۷۹: ۲۷۸). به عنوان نمونه بر اساس آخرین گزارش ها، حجم تجارت درون گروهی کشورهای اسلامی در سال ۲۰۰۹ به ۱۶/۵ درصد رسیده است. به عبارت دقیق تر، در بعد اقتصادی میزان همگرایی اقتصادی حدود ۱۷ درصد و در مقابل میزان واگرایی

اقتصادی ۸۳ درصد بوده است. این برون‌گرایی تجارت (نسبت به کشورهای اسلامی)، نقطه مقابل نیازی است که این کشورها برای گسترش همکاری اقتصادی دارند.

(د) سلطه فرهنگی غرب و امپراطوری رسانه‌ای:

یکی دیگر از عوامل واگرایی امت اسلامی و به خصوص کشورهای اسلامی، نقش امپراطوری رسانه‌ای غرب و سلطه غرب بر ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی است که به شدت در جهت تضعیف ارزش‌ها و مفاهیم اسلامی و همچنین تشدید و تعمیق اختلاف بین مسلمانان فعالیت می‌کند. قدرت‌های استعماری، با تسلط بر فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی همچون شبکه‌های ارتباطی، ماهواره‌ها، رسانه‌های جمعی، الکترونیک، اینترنت، مراکز فرهنگی، علمی و آموزشی و دانشگاه‌های کشورهای اسلامی در صددند تا آداب، رسوم و آموزه‌های فرهنگی خود را تزریق نموده و رواج دهند. این امر باعث کج‌فهمی و دور افتادن از حقیقت اسلام، ترک احکام اسلام، و تعطیل شدن حدود اسلامی، تنگ‌نظری در علوم مذهبی، مسخ ارزش‌های عقیدتی و اخلاقی، و نابسامانی در پذیرش آموزه‌های دینی شده است (هادی، ۱۳۸۸: ۷۵). از سوی دیگر، امپراطوری رسانه‌ای غرب نقش اساسی و ویرانگری در تهاجم فرهنگی و ایجاد و تشدید اختلافات بین مسلمانان، امت‌های اسلامی، مذاهب اسلامی و کشورهای اسلامی دارد.

توانمندی مالی کشور‌های توسعه‌یافته از یک سو و چیره‌بودنشان بر وسایل و امکانات اطلاع‌رسانی از سوی دیگر، راه را پیش پای بازیگران ژئوپلیتیک در غرب هموار می‌سازد و توان انحصاری کردن جریان جهانی اطلاع‌رسانی را به باختر، بویژه ایالات متحده داده است. در نتیجه جریان اطلاع‌رسانی جریانی یک‌سویه است از باختر، بویژه از آمریکا، به دیگر بخش‌های جهان، از سوی توانمندترین کشورها به سوی کشورهای ناتوان‌تر جهان. این وضع امکان هر گونه دسیسه و توطئه اطلاعاتی و ضد اطلاعاتی را، برای گمراه کردن و سوءاستفاده از افکار عمومی به توانمندتران می‌دهد (مجتهد زاده، ۱۳۷۹: ۱۷۳). فریب اطلاعاتی جهانیان و متهم کردن کشورهای اسلامی عراق، افغانستان، ایران و... به حمایت از تروریسم، داشتن سلاح‌های کشتار جمعی، تلاش برای داشتن سلاح هسته‌ای و به دنبال آن حمله و اشغال نظامی دو کشور مسلمان، تشدید اختلافات بین کشورهای اصلی جهان اسلام به ویژه پروژه ایران‌هراسی در مرکز جهان اسلام، تشدید اختلافات مذهبی و قومی در بین ملت‌های مسلمان، متهم کردن مسلمانان به تحجر و واپس‌گرایی، حمله به اصول دین متعالی اسلام و فرهنگ اسلامی همچون حجاب و... بخشی از اقدامات امپراطوری رسانه‌ای صهیونیستی برای تضعیف جهان اسلام و ایجاد تفرقه و تشتت در امت اسلامی محسوب می‌شود.

(ه) بحث و نتیجه‌گیری:

مفهوم اتحاد و وحدت اسلامی، که به ویژه در صد سال اخیر میان علماء و فضلاء مؤمن و روشنفکر اسلامی مطرح بوده است، این نیست که فرقه‌های اسلامی به خاطر اتحاد اسلامی از اصول اعتقادی و یا غیر اعتقادی خود صرف نظر کنند و به اصطلاح مشترکات همه فرق را بگیرند و مختصات همه را کنار بگذارند. چه، این کار نه منطقی است و نه عملی. آنچه متفکران بزرگ اسلامی همچون سید جمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده، مطهری، علامه امینی و... در نظر داشتند این بود که فرقه‌های اسلامی در عین اختلافاتی که در کلام و فقه و غیره باهم دارند به واسطه مشترکات بیشتری که در میان آنها هست می‌توانند در مقابل دشمنان خطرناک اسلام دست برادری بدهند و جبهه واحدی تشکیل دهند. این بزرگان هرگز در صدد طرح وحدت مذهبی تحت عنوان وحدت اسلامی که هیچگاه عملی نیست نبودند.

ضرورت و اهمیت وحدت امت اسلامی بر هیچ مسلمان روشن ضمیر و آگاهی پوشیده نیست و این اعتقاد اکثریت مسلمین به ویژه علما و اندیشمندان است که اگر جوامع اسلامی بخواهند میراث انسانی پیامبر اکرم (ص) را حیات بخشند و اگر خواهان عظمت و رفعت و بلندی



مقام و جایگاه سیاسی، اجتماعی در جوامع بشری هستند، باید از شریعه وحدت و اتفاق بگذرند. قرآن، سنت و سیره اهل بیت به صراحت بارها و بارها ضرورت وحدت امت اسلامی را مطرح و نسبت به عواقب شوم هر گونه اختلاف و تفرقه هشدار داده اند. آموزه های دینی و منافع مسلمانان ایجاب می کند که مسلمانان برای نیل به اهداف بلند از تفرقه و تخطئه همدیگر بپرهیزند و بنیه وحدت و سیادت و آگاهی را تقویت نمایند.

تحقق وحدت اسلامی با توجه به زمینه های متعدد و بنیادی همگرایی همچون اشتراک عقیده و وحدت در جهانبینی و دین، در فرهنگ، در سابقه تمدن، در بینش و منش، در معتقدات مذهبی، در پرستش ها و نیایش ها و در آداب و سنن اجتماعی امری مشکل به نظر نمی رسد. اما آنچه وحدت اسلامی را به چالش اصلی امت اسلامی تبدیل کرده است، دوری مسلمین و به ویژه برخی نخبگان و روشنفکران از اصول و آموزه های ناب اسلامی از یکسو و برجسته کردن زمینه های اختلاف و افتراق بین مسلمانان از دیگر سو است. البته نبایستی از نقش اساسی غرب به طور عام و صهیونیسم جهانی به طور خاص غفلت کرد؛ آنها در یک مقطع تاریخی قدرت و عظمت تمدن اسلامی را دیده اند و به صراحت اعلام کرده اند که نخواهند گذاشت بار دیگر تمدن اسلامی به دوران مجد و عظمت خویش بازگردد و از اینرو با شدت و حدت تمام در تدارک توطئه های مختلف و دمیدن بر کوره اختلاف و تشتت بین امت اسلامی هستند. در این میان البته هستند اندیشمندان و فاضلانی چون شهید مطهری که منادی وحدت اسلامی بوده و مسلمین را به بازگشت به اصول اسلامی و تبعیت از قرآن و سنت فرا می خوانند و آینده ای نوید بخش را مژده می دهند. چنانکه سید جمال می گوید: «هرگاه امتی رادیدی که افرادش به وحدت و یگانگی تمایل دارند به آن امت مژده بده که خداوند در جهان آفرینش برای آن امت آقایی و والایی و برتری بر سایر ملت ها مقدر کرده است. در انتها نوشته را با شعر زیبای اقبال این شاعر عالم و متفکر اسلامی به پایان می بریم، همو که با زبان شعر به بهترین وجه چالش های وحدت امت اسلامی را به تصویر کشیده است:

نه افغانیم و نه ترک و تتاریم
چمن زاریم و از یک نونهایم
تمیز رنگ و بو بر ما حرام است
چرا که زاده یک شاخساریم

منابع و ماخذ:

- ایولاکست، (۱۳۶۸)، مسائل ژئوپلیتیک، اسلام، دریا و آفریقا، ترجمه عباس آقایی، تهران: انتشارات فرهنگ اسلامی
- تسخیری، محمد علی، (۱۳۸۴)، وحدت اسلامی و تقریب مذاهب، فصلنامه حکومت اسلامی، سال دهم، شماره سوم
- تسخیری، محمد علی، (۱۳۸۶)، سخنرانی دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در بیستمین کنفرانس وحدت اسلامی

- ترکی، عبدالمجید، (۱۳۶۸)، اجماع امت مومنان، از جوهر عقیدتی تا واقعیتی تاریخی، تهران: تحقیقات اسلامی
- حافظ نیا، محمد رضا، (۱۳۷۹)، مبانی مطالعات سیاسی اجتماعی، جلد ۱، قم: انتشارات مدارس علمیه خارج کشور

- حافظ نیا، محمد رضا، (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، انتشارات پاپلی
- حسینی، سرور، (۱۳۸۸)، وحدت اسلامی در قران و سنت. دو ماهنامه فرهنگی - اجتماعی آفاق مهر. سال هشتم شماره ۴۱ و ۴۲
- خورشیدی غلامحسین. (۱۳۷۹). امکان پذیری و روایی بازار مشترک اسلامی. مجموعه مقالات همایش گسترش همکاری های اقتصادی - بازرگانی بین کشور های اسلامی. تهران: انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی
- شاه آبادی ابوالفضل. (۱۳۷۹). نقش سرمایه گذاری خارجی در کشورهای س.ک. اسلامی. مجموعه مقالات همایش گسترش همکاری های اقتصادی - بازرگانی بین کشور های اسلامی. تهران: انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی
- صادقی اردستانی، احمد، (۱۳۸۵)، وحدت مسلمین، دفتر کنگره جهانی ائمه جمعه و جماعات، قم بی تا
- صفوی، سید یحیی، (۱۳۸۷)، وحدت جهان اسلام، تهران: نشر شکیب
- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴)، المیزان، جلد ۴، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان
- عارف، محمد، (۱۳۶۹)، جغرافیای جهان اسلام، ترجمه صدیقه سلطانی فر، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی
- حیدری، محمد شریف، (۱۳۸۸)، سلفی گری نوین در تقابل با راهبرد وحدت اسلامی، فصلنامه طلوع سال هشتم شماره ۲۷ بهار ۱۳۸۸
- هادی، قربانعلی، (۱۳۸۷)، نگرشی تطبیقی به تقریب مذاهب و ناسیونالیسم، اندیشه تقریب، سال چهارم، شماره پانزدهم،
- هادی، قربانعلی، (۱۳۸۸)، نگرش تطبیقی به ملی گرایی و وحدت اسلامی، اندیشه تقریب، سال ششم، شماره بیست و یکم
- مطهری، مرتضی، (۱۳۶۸)، الغدیر و وحدت اسلامی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات صدرا
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۸)، بیست گفتار، چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات صدرا
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۷)، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، چاپ بیست و نهم، جلد ۵، قم، تهران: انتشارات صدرا
- مطهری، مرتضی، (۱۳۶۲)، ولاءها و ولایتها، جلد ۱، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۵)، حماسه حسینی، تهران: انتشارات صدرا
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۶)، حکمت ها و اندرزها، چاپ بیست و یکم، تهران: صدرا
- مطهری، مرتضی، (1373)، خدمات متقابل اسلام و ایران، چاپ بیستم، قم: صدرا
- مطهری، مرتضی، (1381)، امامت و رهبری، جلدیک، چاپ سی ام، قم: نشر صدرا
- معظم پور، اسماعیل، (۱۳۸۳)، نقد و بررسی ناسیونالیسم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی

- مرادی، ذبیح الله، (۱۳۸۱)، وحدت اسلامی، دو ماهنامه فرهنگی - اجتماعی آفاق، سال پنجم، و ششم، شماره ۲۵ و ۲۶
- مجتهد زاده، پیروز، (۱۳۷۹)، ایده های ژئوپلیتیک و واقعیت های ایرانی، تهران: نشر نی
- مزروقی حسن (۱۳۷۹)، امکانات مبادلاتی کشور های اسلامی. مجموعه مقالات همایش گسترش همکاری های اقتصادی - بازرگانی بین کشور های اسلامی. تهران: انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی
- معین، محمد، (۱۳۷۱)، فرهنگ معین، ج ۴، تهران: انتشارات امیر کبیر
- واعظ زاده خراسانی، محمد، (۱۳۸۲)، راههای تقریب مذاهب اسلامی و وحدت مسلمانان، فصلنامه مطالعات اسلامی . تابستان ۱۳۸۲، شماره ۶۰

▪ **Andrew Heywood, (1990). Political ideologies. Second edition, Mac Milan Press, LTD**